

اشتغال زن و حدود مانعیت زوج (کتاب)

نویسنده خلاصه: مهدی محمدی
نویسنده کتاب: اسرافیل سبحانی

چکیده

اشتغال زن و حدود مانعیت زوج کتابی فارسی درباره حقوق زنان که از منظر فقهی، حقوقی و اجتماعی به دنبال بررسی محدودیت‌های اشتغال زنان و همچنین تعیین حدود اختیارات زوج در این مسئله در جامعه اسلامی است. به باور شهلا جهانبازی و فریبا حاجعلی، نویسندگان کتاب، اسلام و قرآن گام‌های بلندی به سود زنان برداشته است و تفاوتی میان زن و مرد قائل نشده و اشتغال زنان را نیز مورد توجه قرار داده است. به گفته آنان، زنان در عصر پیامبر به شغل‌های رایج آن زمان، مانند پزشکی اشتغال داشته‌اند.

از مهم‌ترین دلایل جواز اشتغال زنان، به باور نویسندگان، آیه «و لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» است و از طرف دیگر قصه دختران شعیب و داستان ملکه سبا در قرآن را مؤید این جواز می‌دانند. بر اساس گزارش کتاب، اکثریت فقها، قائل به جواز اشتغال زنان هستند؛ هرچند در صورت تراحم بین کار و مصالح خانواده، مصالح را دارای اولویت به شمار می‌آورند. ازجمله دلائل فقها قاعده تسلیط است.

به باور مولفان در اصل ۲۸ قانون اساسی داشتن شغل یکی از حقوق طبیعی هر فرد اعم از زن و مرد به حساب آمده است، البته صلاحیت اشتغال زنان به قضاوت طبق قانون نفی شده است؛ همچنین مطابق قانون مدنی، زوج حق منع اشتغال همسر به مشاغل خاص به دلیل تنافی با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین را دارد؛ اما از حق اشتغال زن نمی‌تواند ممانعت به عمل آورد؛ بنابراین زن می‌تواند شغل خود را عوض کند تا با مصالح خانواده تنافی نداشته باشد.

معرفی اجمالی و ساختار

کتاب اشتغال زن و حدود مانعیت زوج، حاصل پژوهش مشترک شهلا جهانبازی، کارشناس ارشد مطالعات زنان و فریبا حاجعلی دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا است که در سال ۱۳۹۹ش به زبان فارسی، توسط انتشارات خرسندی به چاپ رسیده است. این کتاب درباره یکی از مهم‌ترین حقوق زنان یعنی اشتغال آنان و تعیین میزان اختیارات زوج در اعمال محدودیت بر اشتغال زن است. نویسندگان کتاب، از دیدگاه فقهی، حقوقی و اجتماعی به دنبال بررسی مسئله اشتغال زنان و مشکلات موجود در آن و همچنین راهکارهای حل معضلات هستند (ص ۱۳).

ساختار

کتاب اشتغال زن و حدود مانعیت زوج در هشت فصل تنظیم شده است. در فصل ابتدایی به کلیات و معناشناسی مفاهیمی چون اشتغال، زن خانه‌دار، اشتغال زن، نشوز و ناشزه پرداخته شده است (ص ۱۵-۲۴). فصل دوم کتاب به تاریخچه اشتغال زنان در ایران و جهان اختصاص دارد (ص ۲۵-۶۴). فصل سوم به مبانی جامعه‌شناسی اشتغال زنان می‌پردازد. در

این فصل نظریاتی چون نظریات فمینیستی، نظریات جنسیتی و نظریات کارکردگرایی درباره اشتغال زنان مورد بررسی قرار گرفته شده است (ص ۶۵-۸۰). نویسندگان از فصل چهارم وارد مباحث فقهی و حقوقی می‌شوند. در ابتدا مبانی دینی و فقهی اشتغال زنان از دیدگاه قرآن، احادیث و فقها مورد بررسی قرار می‌گیرد (ص ۸۱-۱۱۰)؛ سپس در فصل پنجم مبانی حقوقی و قانونی اشتغال زنان از منظر حقوق و قوانین داخلی ایران و همچنین قوانین و حقوق بین‌الملل تبیین می‌شود (ص ۱۱۱-۱۳۰). در فصل ششم آراء و نظرات فقهی و حقوقی در مورد ممانعت زوج از اشتغال زوجه، مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه به محدودیت‌های عمومی، محدودیت‌های جنسی و محدودیت‌های ناشی از زوجیت اشاره شده است (ص ۱۳۱-۱۴۴). نویسندگان در فصل هفتم به تحلیل و بررسی فقهی و حقوق بحث ممانعت زوج از اشتغال زوجه می‌پردازند (ص ۱۴۵-۱۸۰) و در نهایت به آسیب‌شناسی ممانعت زوج از اشتغال زوجه در فصل هشتم پرداخته شده است. نویسندگان کتاب در این زمینه معتقدند که ممانعت زوج از اشتغال زوجه باعث ایجاد ضربه روحی به و هدررفت استعدادها و توانایی‌های زن شود. (ص ۱۸۱-۲۰۳).

اشتغال زنان مسئله‌ای اجتماعی

اشتغال زنان پیش از آنکه مسئله‌ای فقهی یا حقوقی باشد، مسئله‌ای با تأثیرات مشهود در عرصه اجتماعی از یک سو و عرصه‌های فردی از دیگر سو است. به باور نویسندگان کتاب، این ویژگی مهم موجب شده است، اشتغال زنان به مقوله‌ای چند بعدی تبدیل گردد که علاوه بر ابعاد اجتماعی، از نظر اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی دارای اهمیت باشد و بدیهی است که مواجهه اثرگذار و حکیمانه با چنین موضوعی مستلزم نگاهی جامع‌الاطراف به آن است. از نظر آنان همواره جهان هستی در مسیر کار و تلاش وصف‌ناپذیر و البته هدف‌داری حرکت می‌کند که بیکاری و بی‌هدفی در آن معنا ندارد، نقش سازنده و خلاقیت‌بخش و شکوفاکننده کار و فعالیت برای همه انسان‌ها، مظهر و سرمنشاء هویت یافتن شخصیت انسانی و تکامل‌بخش است (ص ۱۷).

به باور مولفان اگرچه بر اساس مبانی جامعه‌شناسی زن می‌تواند، علاوه بر ارائه خانه‌داری و تربیت فرزندان، فعالیت اقتصادی و اجتماعی بیرون از خانه داشته باشد، اما آیا توان تکوینی بر این کار را نیز دارد (ص ۷۷)؟ به گفته آنان، بی‌شک ایفای هر دو نقش برای زن به‌طور کامل میسر نیست؛ زیرا محدودیت زمانی به زن اجازه نمی‌دهد، در ساعاتی که به فعالیت اقتصادی و اجتماعی اشتغال دارد، به کودک خود رسیدگی کند و خواسته‌های همسر و خانه را نیز برآورده نماید، محدودیت در قدرت نیز سبب می‌شود، زن پس از بازگشت از محل کار، توان جسمی ایفای نقش همسری و مادری را به خوبی نداشته باشد (ص ۷۷).

به رسمیت شناختن استقلال مالی زنان از دیدگاه اسلام

نویسندگان معتقدند اسلام و قرآن در عصر نزولش، گام‌های بلندی به سود زن و حقوق انسانی او برداشته است، این دین امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نشده و بلکه اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد رعایت کرده است. به گفته آنان در قرآن، آیاتی وجود دارد که نشان می‌دهد، در دین اسلام زنان می‌توانند، مانند مردان از استقلال مالی برخوردار باشند (ص ۳۲). اشتغال زنان در عصر پیامبر (ص) نیز به شکل گسترده به چشم می‌خورد و در تمامی شغل‌های رایج آن زمان، مانند پزشکی، صنایع

دستی و حتی تجارت، زنان حضور داشتند و به طور کلی یکی از اهداف پیامبر اسلام تامین آزادی و آزادگی در سایه ایمان و تقوا برای زنان بوده است (ص ۳۳).

مبانی دینی و فقهی اشتغال زنان
به زعم نویسندگان، پرداختن به مبانی دینی و فقهی اشتغال زنان، می تواند اثرات زیادی بر افکار جامعه در این زمینه داشته باشد (ص ۸۳). آنان برای این منظور از منظر قرآن، احادیث و آرای فقها، به استخراج مبانی مشروعیت اشتغال زنان پرداخته اند.

جواز اشتغال زنان از دیدگاه قرآن
بر اساس گزارش نویسندگان، یکی از مهم ترین آیات که می توان از آن جواز اشتغال زنان را استنباط کرد، آیه اکتساب (و لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ) است. در این آیه بر بهره بردن زنان از آنچه اکتساب می کنند، تصریح شده است. آنان معتقدند که غیر از این آیه که به صراحت تمام در مورد اشتغال زنان سخن گفته، آیات دیگری نیز وجود دارد که به طور عام زنان و مردان را به فعالیت اقتصادی تشویق و ترغیب می کند (ص ۸۴)؛ از جمله بارزترین این گروه آیات که به شکل عام به فعالیت های اقتصادی ترغیب می کند، آیه ۱۰ سوره جمعه است، که مردم را چه مرد و چه زن، به صورت همگانی به مشارکت اقتصادی پس از انجام نماز جمعه فرامی خواند (ص ۸۴-۸۵). نویسندگان علاوه بر آیات ذکر شده، موارد دیگری از قرآن، مانند قصه دختران شعیب و داستان بلقیس ملکه سرزمین سبأ را گویای اشتغال زنان در طول تاریخ می دانند (ص ۸۶-۸۷). به گفته نگارندگان کتاب، به رسمیت شناختن حق مالکیت زن در قرآن نیز می تواند، یکی از نشانه های جواز اشتغال زنان محسوب شود (ص ۸۶).

مشروعیت اشتغال زنان با استناد به احادیث
نویسندگان با اتکا به سنت پیامبر، روایات و احادیث ائمه (ع) قائل به مشروعیت اشتغال زنان هستند. بر اساس گزارش آنان، در زمان پیامبر بسیاری از زنان به فعالیت تجاری می پرداختند، چنانچه امّ منذر در زمان پیامبر خرما می فروخت و یا اسماء بنت مخرمه، عطر فروش بود و از یمن عطر وارد می کرد و در مدینه می فروخت، یا خود همسر پیغمبر، حضرت خدیجه که سالیان مدیدی به تجارت و دادوستد می پرداخت (ص ۸۷). علاوه بر اینکه زنان در صدر اسلام به استناد روایات متعدد، غیر از حرفه تجارت، به حرفه های گوناگون از جمله حرفه تعلیم و تربیت، ریسندگی و بافندگی، آرایشگری، آشپزی، شیردهی و پرستاری از کودکان، پزشکی و جراحی، خصوصاً مامایی که به طور اخص در اختیار زنان بوده، اشتغال داشتند و از این طریق به کسب درآمد مبادرت می ورزیدند (ص ۸۹-۹۳).

اشتغال زنان از دیدگاه فقهاء
نگارندگان کتاب، نظرات فقها را یکی دیگر از منابع مهم در بحث اشتغال زنان می دانند. آنان به دو دسته از نظرات فقها درباره اشتغال زنان اشاره می کنند: ۱) عده ای از فقها که زن را به خانه نشینی مطلق توصیه کرده اند و ۲) فقهایی که حق اشتغال زنان را به رسمیت می شناسند. به گفته نویسندگان بیشتر نگاه های سلبی به اشتغال زن مربوط به فقهای اهل سنت است و فقهای امامیه در این زمینه بسیار منعطف تر عمل کرده اند (ص ۹۳).

قائلین به اشتغال زن بر این عقیده‌اند که در اسلام، زن از هیچ شغلی منع نشده است و اسلام همیشه زن را به حضور در فعالیت اجتماعی و بر عهده گرفتن وظایف اجتماعی فرا می‌خواند. آنان واگذاری مناصب حکومتی به زنان در صدر اسلام را نشانگر تایید این حق کار برای زنان می‌دانند (ص ۹۴). این گروه از فقهاء با تاثیرپذیری از آیات قرآن حق کار کردن را برای زن مجاز دانسته و آن را حق مسلم و طبیعی زن قلمداد کرده و بدون هیچ قید و شرطی آن را پذیرفته‌اند؛ به نظر این فقهاء، اسلام دستور خانه‌نشینی و عدم مشارکت زنان را صادر نکرده و مخالفتی با کار زنان ندارد (ص ۹۴).

در مقابل گروهی از فقهاء که از اشتغال زن نهی می‌کنند، بر این عقیده‌اند که کسب و کار زن موجب فتنه و فساد است، بنابراین زنان از اشتغال به هر کاری ممنوع هستند، این فقهاء اشتغال زن را نه تنها موجب فساد اخلاقی در جامعه می‌دانند، بلکه معتقدند که اشتغال زن به دلیل این که در خانه مخارجی به عهده او نیست، روا و شایسته نیست (ص ۹۵).

تساوی زن و مرد در اشتغال بر اساس قاعده تسلیط به استناد این تحقیق، اکثریت فقهای امامیه، حضور زن در فعالیت‌های اقتصادی را نفی نکرده و استقلال مالی زن را پذیرفته‌اند. آنان علاوه بر استناد به آیه ۳۲ سوره نساء، همچنین به قاعده تسلیط استناد کرده‌اند. طبق این قاعده همه مردم اعم از زن و مرد نسبت به اموال خود، که نتیجه کسب و درآمد خود است، حق هرگونه تصرفی را دارند (ص ۱۰۲-۱۰۳).

از نظر آیت الله جوادی تفاوت حقوقی زن و مرد و مسئله اشتغال آن دو، هیچ‌گونه ارتباطی با مسئله برتری ندارند، کمال انسانی و مناصب اجرایی دو موضوع جدا از هم هستند، اصل، تحصیل علم و معرفت است که زن و مرد در آن مساوی هستند، اما شغل‌ها و مناصب و فعالیت‌های اجتماعی به هیچ وجه نمی‌توانند، نماینگر کمال باشند، بلکه چیزی است که بر حسب ساختار بدن و نیاز تقسیم می‌شود (ص ۱۰۳). علامه طباطبایی نیز زن و مرد را به لحاظ تدبیر شئون زندگی در اراده و کار مساوی می‌داند، بنابراین زن می‌تواند، مانند مرد مستقل اراده کند، مستقل کار کند و مالک نتیجه کار و کوشش خود شود؛ همچنین امام خمینی از آنجا که اقتصاد را ابزار تعالی اسلام می‌داند، اشتغال زن را در کنار مردان بدین قصد مورد تایید قرار می‌دهد (ص ۱۰۳).

تقدم مصالح خانواده بر اشتغال زنان بر اساس گزارش نویسندگان کتاب، هرچند در دیدگاه فقهای امامیه حق کار کردن برای زنان به رسمیت شناخته شده و در کنار آن استقلال مالی و دستمزد عادلانه را نیز پذیرفته شده است، اما با توجه به ضرورت حفظ بنیاد خانواده، اهمیت کار زنان در خانه و سازگاری طبیعت و ویژگی‌های زیستی زنان با آن، فقهاء ترجیح می‌دهند، در تقسیم کار، کارهای خانه و تربیت فرزندان را به عهده زنان بگذارند و در صورت تراحم بین کار زنان در بیرون از خانه و مصالح خانواده، مصالح اساسی که همان تربیت فرزندان و همسرمداری است، در اولویت جدی قرار می‌گیرد (ص ۱۰۵).

به گفته نگارندگان در قوانین نیز محدودیت‌ها و ضوابطی برای کار زنان در زمینه حفظ مصالح خانوادگی و حیثیت زن و شوهر وضع شده است، مانند این که اگر کار زن، مستلزم خروج او از منزل باشد، لازم است که اذن و رضایت شوهر گرفته شود، همچنین چون انجام کارهای

سخت و سنگین متناسب با وضعیت فیزیکی و روحی زنان نیست، لذا این صنف کارها برای آنان شایسته نیست و در واقع نه تنها این نوع کارها خدمت به زنان محسوب نمی‌شود، بلکه ستم بر آنان تلقی شده و ظلمی نابخشودنی در حق آنان است (ص ۱۰۶-۱۰۹).

مبانی حقوقی و قانونی اشتغال زن

با تکیه بر یافته‌های محققان کتاب، در قوانین مربوط به اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، نه تنها تبعیض به مفهوم اجحاف قانونی به زن وجود ندارد، بلکه مجموعه‌ای از تسهیلات و امتیازات همچون کار نیمه وقت، مرخصی زایمان، بازنشستگی زودرس و غیره برای استحکام خانواده مقرر شده است (ص ۱۱۳). طبق اصل ۲۸ قانون اساسی ایران، هر شهروندی حق دارد، شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند و دولت موظف است، با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید، چنان که مشهود است، این اصل بین زن و مرد هیچ تفاوتی قائل نشده است (ص ۱۱۵).

به گفته نویسندگان، در قانون کار جمهوری اسلامی ایران، سعی بر این شده است که نه تنها مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی در مورد زنان مورد توجه قرار گیرد، بلکه با توجه به منزلتی که اسلام برای زنان قائل شده است، مقررات، به نحوی تدوین گردد که زنان علاوه بر اشتغال در مشاغل گوناگون قادر باشند، به وظایف خطیر خود در خانواده عمل کنند؛ در قانون تامین اجتماعی کشور نیز مقرراتی برای حمایت از برابری زن و مرد در اشتغال پیش‌بینی شده است (ص ۱۱۷-۱۱۸).

محدودیت‌های اشتغال زنان در ایران

بر اساس یافته‌های این پژوهش، در قوانین اساسی و عادی جمهوری اسلامی ایران برای حق اشتغال زنان و مردان محدودیت‌هایی پیش‌بینی شده است، مانند عدم مخالفت شغل با احکام و موازین اسلامی و عدم مغایرت شغل با مصالح عمومی که هر دو از محدودیت‌های عمومی محسوب می‌شوند، همچنین قانون برای اشتغال زن به طور خاص محدودیت‌هایی پیش‌بینی نموده است (ص ۱۳۳)؛ از جمله محدودیت در قضاوت و ممنوعیت اشتغال در مناصب نیروهای مسلح و محدودیت‌های ناشی از رابطه زوجیت.

محدودیت در قضاوت

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، صلاحیت قضاوت زنان مطابق قانون نفی شد و این ممنوعیت بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه صورت گرفته است که مرد بودن را برای احراز مقام قضاء شرط دانستند، البته این ممنوعیت با تصدی زنان به عنوان قاضی مشاور و قاضی تحقیق هیچ گونه منافاتی ندارد (ص ۱۳۴ و ۱۳۶). یکی از دلایل مخالفت با قضاوت زنان وجود آیات چهارگانه در این زمینه است که مورد استناد آنها قرار گرفته است، از جمله این استنادات قرآنی آیه ۱۸ سوره زخرف است، مخالفان صاحب نظر از مفاد این آیه ضعف و ناتوانی کلی زنان را در قبال مردان استنباط نموده و نتیجه‌گیری کرده‌اند که چون زنان، چه به لحاظ جسمی و چه به لحاظ فکری ضعیف‌تر از مردان می‌باشند، از این رو جهت تصدی اموری چون فقاقت، قضاوت و حکومت از شایستگی لازم برخوردار نبوده و مردان که از هر نظر

قوی‌تر از آنها هستند، شایسته احراز چنین مناصبی خواهند بود؛ هر چند موافقان قضاوت زن، این استدلال را ردّ می‌کنند (ص ۱۳۶ و ۱۳۸).

محدودیت در خدمات نیروهای مسلح همچنین بر اساس قوانین موجود کشور زنان ممکن است در مراجع نظامی و انتظامی استخدام شوند، اما به صورت محدود، آن هم فقط در مشاغل درمانی و بهداشتی و نظایر آنها، ولی در مشاغل سنگین از آنها استفاده نمی‌شود؛ دلیل وضع اینگونه قوانین هم روشن و مبرهن است، زیرا از قبیل وضع قوانین حمایتی و ممنوعیت کارهای سخت و زیان‌آور برای زنان و در نظر گرفتن وضعیت خاصّ آنان است (ص ۱۴۱).

محدودیت‌های ناشی از رابطه زوجیت در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران برای اشخاص متاهل نیز محدودیت‌هایی پیش‌بینی شده است، در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی به زوج حق داده در شرایطی مانع اشتغال به کار همسر خود گردد، این محدودیت‌ها به این شکل بیان شده است: شوهر می‌تواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند؛ البته برای مردان نیز محدودیت‌هایی در قانون حمایت از خانواده دیده شده است (ص ۱۴۲).

تحلیل فقهی و حقوقی، ممانعت زوج از اشتغال زوجه به عقیده مؤلفان، برخی از حقوق‌دانان متأثر از نظریه مشهور فقهاء، قلمرو گسترده برای ریاست شوهر قائل شده و بیان داشته‌اند: از نظر فقهی، اصولاً خروج زن از خانه به هر منظوری که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد، بنابراین چنانچه زن در هنگام ازدواج شاغل نبوده و با شرط اشتغال، ازدواج انجام نشده باشد، شوهر می‌تواند مطلقاً زن را از اشتغال به هرگونه حرفه در بیرون خانه منع کند (ص ۱۵۳). امّا حقیقت آن است که مطابق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، زوج حق منع اشتغال همسر را به طور مطلق ندارد، و فقط می‌تواند، از اشتغال همسر به مشاغل خاصّ به دلیل تنافی با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین جلوگیری نماید، بدین ترتیب اگر شوهر با شغل زن به دلیل مذکور مخالفت نماید، زن باید شغل خود را تغییر دهد و شغلی را برگزیند که با مصالح خانواده و زن سازگار باشد، لذا می‌شود گفت که شوهر می‌تواند با شغل زن مخالفت کند، اما نمی‌تواند با اشتغال زن مخالفت داشته باشد؛ و نتیجه این است که سلب حق اشتغال از آثار عقد ازدواج به شمار نمی‌رود (ص ۱۵۵).

در مورد شرط ضمن عقد برای اشتغال نیز باید گفت: ممکن است زوجین در ضمن عقد نکاح توافق کنند که زوجه شاغل باشد، یا فلان شغل را داشته باشد، تردیدی نیست که شروط مذکور در این عقد نافذ است و باید طبق آن عمل شود؛ هرچند مشهور فقهاء امامیه، عمل به شروط ابتدایی را در عقد نکاح، لازم‌الوفاء نمی‌دانند (ص ۱۷۲-۱۷۵).